

رسالت

سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۶، ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۲۹ - ۱۳ مارس ۲۰۱۸، سال سی و سوم، شماره ۹۱۷۷، ۱۲ صفحه، تک شماره ۵۰۰۰ ریال

2 032000 075991

دکتر حداد عادل :

سبک زندگی اسلامی به گفتمان غالب تبدیل نشده است



صفحه ۲

آیت الله مکارم شیرازی :

مسئولان به فکر مناطق آسیب پذیر باشند



صفحه ۲

رئیس قوه قضائیه :

دیر کل سازمان ملل، بلندگوی منافقین نباشد

تناقض رفتاری نهادهای بین المللی درباره حقوق بشر را نمی پذیریم

تامین امنیت منازل و اموال مردم در نوروز باید تشدید شود

نقاط حادثه خیز جاده‌های شناسایی و نسبت به رفع خطر اقدام شود

تظاهر به بی‌حجابی مصداق اشاعه فحشاست

آیت الله جوادی آملی :

روسی بر سر چوب کردن مقابله با قرآن است

اگر امر به معروف کنیم، بی‌حجابی از بین می رود
وظیفه حکومت امر به معروف و نهی از منکر است

صفحه ۳



دکتر احمد توکلی :
مسئولین از بیان میزان حقوق خود خجالت می کشند
صرفاً ها : دلار و یورو نداریم



قاضی عسکری:
دارندگان فیش ۳۰ دی ماه ۸۵ در کاروان‌های حج تمتع ثبت نام کنند
جواد لاریجانی : به دنبال حقوق بشر هستیم که کرامت انسان‌ها را هدیه می کند

درسیات رسالت بخوانید

WWW.RESALAT-NEWS.COM



دکتر محمدرضایی :

اسلام می خواهد تمامی علوم، توحیدی شود

تداوم پروژه غربی سازی و حاکمیت سرمایه سالاری
انقلاب اسلامی، نخبگان جهان را غافلگیر کرد

تاملی بر تقابل تجاری واشنگتن و قاره سبز

مردودی اروپا در آزمون صیانت از برجام

منطقه گرای و ضرورت نگاه به شرق در سیاست خارجی

یادداشت

یک رویکرد ارتجاعی

محمود گبرلو

روزنامه ایران متعلق به دولت در روزهای پایانی سال، صفحه اول خود را مزین به عکسی با حضور جمعی از هنرمندان کرد که جای تامل و تحلیل دارد. در این جمع افرادی حضور دارند که هیچ ارتباطی با هم ندارند مگر آنکه بخواهیم از حضور این جمع مقصود و نظری را برسانیم. البته می توان به سادگی از آن گذشت و از این خبر و مطلب به عنوان یک دور همی یاد کرد اما مدتهاست تناقضاتی در عرصه فرهنگ و هنر این سرزمین مشاهده می شود که لازم است یادآوری و مرور شود تا مبدا عملکرد گذشته و زحمتی رو که پس از انقلاب برای فرهنگ و هنر این سرزمین کشیده شده را فراموش نکنیم یا به خاطر برخی رفتارهای غلط مدیریتی به قول همین فیلمفارسی ها زیر میز بزینم و کافه را به هم بریزیم. مدتهاست نام آقای ناصر ملک مطیعی در برخی رسانه ها و کانالها و حتی تلویزیون خودمون مطرح می شود و از ایشان به عنوان یکی از بزرگان فرهنگ و هنر این سرزمین یاد می شود آنهم از زبان افراد و کسانی که نه تنها هممنسل او نیستند بلکه در دوران او نیز زندگی نمی کردند و آنچه که دارند و به آن افتخار می کنند مرهون دوران پس از نسل امثال ناصر ملک مطیعی ها و گذر از فیلمفارسی هستند. قدری بیشتر قضا یا باز کنم که دچار سوء تفاهم نشویم. جریانی بنام فیلم فارسی مبتذل در قبل از انقلاب اسلامی بخاطر حمایت جدی حکومت از آنان وجود داشتند که جریانات روشنفکری اصیل و با هویت همچون همین آقای شمس لنگرودی که در این قاب حضور دارند هیچ وقت دیده نمی شدند و همیشه مورد آزار و اذیت بودند. از سوی دیگر همین مردمی که در مقطعی مدافع فیلمفارسی های مبتذل بودند با تحول و انقلاب خود جریان کثیف و مبتذل را کنار گذاشته و پس از انقلاب حرکت نوینی را در سینمای ایران و حتی هنر و ادبیات این مرز و بوم پایه گذاری نمودند که امثال جناب کیانیان و رضا عطاران در آن رشد نمودند و اگر همون روال وجود داشت هیچ وقت امثال آنها جایی برای دیده شدن نداشتند. ضمن احترام به همه پیشکسوتان بیدیریم در قبل از انقلاب آقای ناصر ملک مطیعی یک بازیگر بی دانش و سواد بود که به خاطر تپ و قیافه اش محبوب بود و مورد استفاده قرار می گرفت و اگر امثال منوچهر اسماعیلی به عنوان دوبلور نبودند هیچ وقت رشد نمی کردند و پس از انقلاب هم اگر وارد بازار کار می شدند هیچ وقت موفق نمی شدند چنانکه مرحوم ایرج قادری هم از همین نسل بود و نتوانست و شکست خورد. واقعیت این هست که توجه بیش از حد از یک سو و فراموش کردن نسلی سالم و شریف که هم اکنون در سینما می درخشند ظلم و بی عدالتی است بخصوص اینکه حمایت های بیش از حد این شائبه را به وجود بیاورد که جریانی در صدد استحاله و بازگشت به گذشته یک رویکرد ارتجاعی است !!

همکار گرامی جناب آقای یوسف اسفندیار

مصیبت وارده درگذشت اخوی گرامیتان را تسلیت گفته، بقای عمر بازمندگان را از درگاه ایزد منان مسئلت می نمایم.

روزنامه رسالت

همکار گرامی جناب آقای یوسف اسفندیار

درگذشت اخوی گرامیتان را تسلیت گفته، ما را در غمتان شریک بدانید.

داود هدایی: سرپرست روزنامه رسالت در جنوب شرق استان تهران
مصطفی هدایی: رئیس سازمان بسیج رسانه استان تهران

سرمقاله

مرزبندی با نظام یا با براندازان؟!

محمد کاظم انبارلویی

anbarloo.ir

سألهاست که معظم رهبری و دلسوزان جامعه به اصلاح طلبان می گویند با ضد انقلاب و براندازان، مرزبندی داشته باشید. اما آنها گوششان به این حرفها بدهکار نیست. آنها در دو نوبت نرم آمریکا علیه انقلاب اسلامی در ۱۸ تیر ۷۸ و نارامی های ۸ ماهه سال ۸۸ دشمن را همراهی کردند و کارنامه ای سیاه از خود به جای گذاشتند. روزنامه اعتماد، شنبه گذشته مصاحبه مفصلی با بهزاد نبوی کرده و سعی نموده است از زبان وی «مرزبندی با براندازان» را پس از گذشت ۸ سال واتاب دهد. بهزاد نبودی در تظہیر خود در آشوب ۸۸ صریح می گوید: - من با آن نحوه حضور در سال ۸۸ مخالف بودم. - من اصلا در شکل گیری آن حرکات و تجمعات (بخوانید خنجر کشیدن علیه جمهوریت و اسلامیت نظام) نقشی نداشتم. - و از همه مهم تر تقریباً هیچ کدام از اصلاح طلبان نقش نداشتمند. وی همچنین می گوید: «سال ۸۸ مرا وقتی به زندان می بردند در بلوار ۲۴ متری سعادت آباد سطل های زباله را در حال سوختن دیدم. معلوم بود که کار معترضین نبود، کسانی این کار را کردند که به نام معترضین تمام کنند. بعد فهمیدم همین طور است! چون می خواستند به اصلاح طلبان ضربه بزنند. تجربه ۸۸ نشان داد از یک حرکت مسالمت آمیز عده ای بهره برداری و سوء استفاده کردند.»

تقلیل رویدادهای تأسیف بار سال ۸۸ به آتش زدن چند سطل زباله و نادیده گرفتن شرهای ساختار شکنانه آنها برای عبور از جمهوریت و اسلامیت نظام، آن هم به اسم مرزبندی با براندازان، از تکنیک های شگرف بهزاد نبوی در این مصاحبه است. تکنیک «کی بود، کی بود، من نبودم» توهین به شعور مردم است، جواب نمی دهد. او صدای انگلیس استثمار پیر و صدای آمریکا را در حمایت از اصلاح طلبان و همراهی آنها با معاریان نظام و فرستادگان آنها به کنگره آمریکا و پارلمان اروپا برای تشدید تحریم ها به پنهان قلب و برای سقوط دولت منتخب ملت را نشنیده، چون آدرس داده آن ایام زندان بوده است و فقط آتش گرفتن چند سطل زباله را دیده که آن را هم به نام غیر معترضین سند زد!

صداقت و صفا از این گفتار، آن هم برای مرزبندی با براندازان، موج می زند!

دو نکته دیگر از این مصاحبه، خواندنی است؛ یکی آنکه «بهزاد» می گوید در زندان پیشنهاد دادم؛ «برای حل مشکل آشوبها، شورای نگهبان قول دهد نظارت استصوابی را بردارد و در عوض، موسوی و کروبی و خاتمی اعلام کنند ضمن اینکه به نتایج انتخابات اعتراض دارند اما به اعلام نتیجه ای که از سوی شورای نگهبان شده تمکین می کنند. پیشنهاد من خیلی مورد استقبال قرار گرفت اما از طرف مقامات بالا استقبال نشد.»

از این بیان «بهزاد» معلوم می شود او نه تنها با آن نحوه حضور در سال ۸۸ مخالف نبوده بلکه در نارامی ها نقشی هم داشته است! همچنین کاشف به عمل می آید اصلاً موضوع نارامی ها «قلب» در انتخابات نبوده بلکه شامل «نظارت استصوابی» شورای نگهبان بوده است. او در این پیشنهاد در اندازه سفیر کبیر آشوب طلبان و فرمانده کل قوای فشار از پایین، چانه زنی در بالا ظاهر می شود و فراموش کرده که گفته نقشی در آشوبها ندارد!

کشف سومی که خواننده با این مصاحبه به آن نایل می شود این است که اختیار و مدیریت «موسوی»، «کروبی» و «خاتمی» به عنوان سران آشوب در دست بهزاد نبوی بوده و «قلب» به عنوان کلید اصلی فتنه آشوب برای باز کردن قفل «نظارت استصوابی شورای نگهبان» بوده است! و از همه مهم تر کشف جایگاه بهزاد نبوی در حل و فصل این دعوا!!

اسرار دیگری از همین پیشنهاد به دست می آید که بهمانند. اما نکته دومی که بهزاد نبوی در بخش دیگری از مصاحبه خود با اعتماد به آن اشاره می کند، گونه شناسی معترضین دی ماه ۹۶ است. او می گوید: اصلاح طلبان با این جماعت به دلیل تجربیات سال ۸۸ همراهی نکردند. این بخش از مصاحبه هم خواندنی است.

ادامه در صفحه ۲

عید و عیدیش
سال نو مبارک

بانک آینده
AYANDEH BANK

WWW.BA24.IR